



پیشران‌های سیاسی و امنیتی نظام بین‌الملل تا سال ۲۰۳۰ و سناریوهای پیش‌روی ایران

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی^۱

سیدرضا موسوی نیا^۲

فیروزه رادفر^۳

درجه مقاله: علمی- پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷

^۱. استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی jdehghani20@yahoo.com

^۲. نویسنده مسئول، دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی seyedreza_mousavi54@yahoo.com

^۳. استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور تهران، ایران f.radfar@pnu.ac.ir

چکیده

تحولات شتابان بین‌المللی ضرورت آینده‌پژوهی را برای دولت‌ها دو چندان کرده است و تأمین منافع ملی در محیط بین‌المللی مستلزم شناخت درست این محیط و آمادگی در برابر تحولات پیش‌رو می‌باشد. در این مقاله با روش آینده‌پژوهی و تکنیک سناریونویسی «امتداد حال» به دنبال استخراج پیشران‌های کلیدی سیاسی - امنیتی در محیط نظام بین‌الملل و ترسیم سناریوها برای جمهوری اسلامی ایران هستیم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نقش‌آفرینی چهره‌های جدید قدرت، ظهور جنگ‌های ترکیبی، افزایش نقش فن‌آوری‌های نوین، افزایش بی‌ثباتی منطقه‌ای، تقویت نقش بازیگران آشوب‌زا و افزایش سرمایه‌گذاری‌های نظامی قوی‌ترین پیشران‌های شکل دهنده به آینده محیط بین‌المللی در عرصه سیاسی و امنیتی تا سال ۲۰۳۰ خواهند بود. بر این اساس برای جمهوری اسلامی ایران تشدید بلوک‌بندی‌های قدرت در سطح نظام بین‌الملل و در سطح مناطق تا سال ۲۰۳۰، سناریوی مطلوب؛ افزایش نقش‌آفرینی جنگ‌های ترکیبی (جنگ‌های سایبری، شناختی) تا سال ۲۰۳۰ سناریوی مرجح؛ تقویت نقش جوامع مدنی، افکار عمومی بین‌المللی و رسانه‌ها به عنوان اهرم‌های بازدارنده نظامی‌گری تا ۲۰۳۰ سناریوی قابل تحمل، و بالاخره افزایش بی‌ثباتی‌های سیاسی و امنیتی در جهان تا سال ۲۰۳۰ سناریوی نامطلوب خواهد بود.

• واژگان کلیدی

سیاست خارجی ایران، آینده‌پژوهی، پیشران، آینده محتمل، سناریو، محیط امنیتی سیاسی.

۱. مقدمه

سیاست خارجی مهم‌ترین وجه زندگی اجتماعی - سیاسی ملت‌ها به‌شمار می‌رود؛ از این رو، تلاش برای درک و فهم ماهیت سیاست خارجی دولت‌ها و اتخاذ راهبردهای مناسب جهت پیش‌برد سیاست خارجی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسد. از سوی دیگر، سرعت تغییرات شتابان در محیط سیاست خارجی کشور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، ضرورت آینده‌پژوهی در عرصه سیاست خارجی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. هم‌چنین از الزامات اصلی ساخت آینده در عرصه سیاست خارجی، باور به قدرت کشور برای شکل‌دهی به آینده مطلوب است. با توجه به این دو مؤلفه، شناسایی پیشران‌های مهم سیاسی - امنیتی برای تحقق چشم‌انداز، اهداف و راهبردهای سیاست خارجی بسیار ضروری و مهم به‌نظر می‌رسد. سیر تحولات شتابان نظام بین‌الملل در سال‌های اخیر مثل تغییر ماهیت جنگ‌ها و تشدید جنگ‌های سایبری؛ استفاده گسترده قدرت‌ها از تحریم یا جنگ‌های سایبری علیه یکدیگر، افول رژیم‌های کنونی و تلاش برای شکل‌گیری رژیم‌های جدید، افزایش گسترده نقش فن‌آوری‌های نوین در عرصه نظام بین‌الملل و تشدید رقابت بین قدرت‌های بزرگ در مناطق مختلف و تأثیر این رقابت بر بروز منازعات جدید مثل جنگ اوکراین یا تشدید منازعات قبلی، همگی نشان از ضرورت بیش از پیش مطالعه عمیق این روندها و رویدادها، استخراج پیشران‌ها و ترسیم آینده‌های محتمل و سناریوهای مطلوب و نامطلوب برای کشور دارد. ناگفته پیداست که بدون آینده‌پژوهی در این عرصه دستگاه سیاست خارجی کشور به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد پیگیر اهداف و منافع ملی کشور در عرصه نظام بین‌الملل قادر به ایفای وظیفه مطلوب خود نبوده و سیاست خارجی کشور، واکنشی و منفعلانه به تحولات بین‌المللی خواهد بود. بنابراین، سؤال اصلی که در این پژوهش به دنبال پاسخ به آن هستیم، این است که روندهای آینده ساز محیط سیاست خارجی ایران در عرصه نظام بین‌الملل در ابعاد سیاسی، امنیتی تا سال ۲۰۳۰ میلادی کدامند؟

فرضیه پژوهش عبارت است از: نقش آفرینی چهره‌های جدید قدرت؛ ظهور جنگ‌های ترکیبی؛ افزایش نقش فن‌آوری‌های نوین؛ افزایش بی‌ثباتی منطقه‌ای؛ تقویت نقش بازیگران آشوب‌زا؛ افزایش سرمایه‌گذاری‌های نظامی؛ افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ؛ افول رژیم‌های بین‌المللی کهن و امکان ظهور رژیم‌های جدید؛ جنگ اوکراین؛ افزایش منازعات درون دولتی؛ افزایش نقش بازیگران غیردولتی؛ ظهور قدرت‌های جدید دولتی و غیردولتی و ابزار تحریم به

عنوان اهرم سیاسی و امنیتی، روندهای آینده ساز محیط سیاست خارجی ایران در نظام بین‌الملل تا سال ۲۰۳۰ را در عرصه سیاسی- امنیتی تشکیل خواهد داد. بر اساس این فرضیه در ادامه پژوهش آینده‌های محتمل و سناریوهای جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیتی و سیاسی نظام بین‌الملل تا سال ۲۰۳۰ ترسیم خواهد شد.

۲. روش پژوهش: آینده پژوهی الگوی امتداد حال

روش پژوهش در این تحقیق، «آینده پژوهی» بر اساس تکنیک الگوی «امتداد حال» است. در این الگو، روندهای و رویدادهای کلیدی احصاء و سپس در ماتریس تأثیر متقابل روندها و رویدادها به‌منظور استخراج پیش‌ران‌های آینده‌ساز برون‌یابی می‌شوند. پس از استخراج پیش‌ران‌ها، آینده‌های محتمل ترسیم می‌شوند و با استفاده از نظریه‌های روابط بین‌الملل؛ سناریوهای مطلوب، مرجح، قابل تحمل و نامطلوب ترسیم می‌شوند. در الگوی امتداد حال، ناندیشده‌ها، بینش‌های فوق‌العاده و آینده‌های آشنا، سناریوهای شگفتی‌ساز و یا فاجعه‌آمیز در فرایند سناریوسازی دخیل نیستند. با این وجود، این مدل تکنیک رایجی و کارآمدی در آینده پژوهی است؛ چرا که به جای پیش‌بینی تک‌خطی، چند آینده بدیل را پیش‌روی تصمیم‌گیرنده قرار می‌دهد.

با وجود انتقادهایی که به الگوی امتداد حال وارد شده است اما مزیت الگوی امتداد حال در آینده‌پژوهی در این است که با ریسک حداقلی، می‌توان آینده‌های محتمل و سناریوهای پیش‌رو را ترسیم کرد. این الگو از آن جهت الگوی امتداد حال نام‌گذاری شده است که روندها و رویدادهای کنونی را برون‌یابی می‌کند و بر اساس آن، به ترسیم سناریوها می‌پردازد. در مرحله نخست و با راهبرد استقرایی از طیف گسترده آینده‌های ممکن، چند آینده محتمل ترسیم می‌شود و سپس با بهره‌مندی از چارچوب نظری انتخاب شده، سناریوها طراحی و برای تحقق آن‌ها برنامه‌ریزی می‌شود. ترسیم آینده‌های محتمل، مبتنی بر رویکردی اکتشافی و ترسیم سناریوها مبتنی بر رویکردی هنجاری است. در الگوی امتداد حال، آینده‌های ممکن، آینده‌های باورپذیر، آینده‌های محتمل و سناریوها، همگی عدم قطعیت فرض می‌شوند با این تفاوت که آینده‌های محتمل مستظهر به روندها و رویدادهای برون‌یابی (پیش‌ران‌ها) شده‌اند اما آینده‌های ممکن و باورپذیر لزوماً مستظهر به پیش‌ران نیستند. به همین دلیل در مطالعات آینده می‌توان دهه‌ها آینده ممکن و باور پذیر ترسیم نمود، در حالی که آینده‌های محتمل انگشت شمار هستند.

۳. روندها و رویدادهای سیاسی

۳-۱. تقسیم جهان به دو بلوک آمریکا و چین

یکی از چالش‌های بسیار مهم در مورد جهان ۲۰۳۰، این است که نظم بین‌المللی در این تاریخ چگونه خواهد بود؛ هژمونی، یک قطبی، دو قطبی، چند قطبی، یک-چند قطبی یا یک نظم در حال گذار. تشخیص نوع نظم برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از این جهت حائز اهمیت می‌باشد که در هر نوع نظامی مدل بازیگری دولت‌ها و از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران متفاوت خواهد بود. در مورد ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل موجود اتفاق نظر وجود ندارد. به گونه‌ای که دیدگاه‌ها و تعاریف مختلفی در مورد نظام بین‌الملل مستقر وجود دارد که آن را به صورت متفاوتی تعریف و تلقی می‌کند. نظام هژمونیک، نظام تک قطبی، نظام یک-چند قطبی از جمله نظم‌هایی هستند که برخی از نظریه‌پردازان به نظم کنونی داده‌اند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۹۴).

به باور برخی نظریه‌پردازان، تحولات سال‌های اخیر در نظام بین‌الملل زمینه را برای شکل‌گیری دو بلوک قدرت به رهبری آمریکا و چین فراهم کرده است؛ شکل‌بندی نظم آینده از دل رقابت بین آمریکا و چین مشخص خواهد شد. جهان پس از فروپاشی شوروی وارد دوران گذار از نظم کهن به نظم جدید بین‌المللی شد. به باور بسیاری از نظریه‌پردازان تحولات یک دهه اخیر نشان می‌دهد جهان از دوران گذار خارج شده و وارد دوران تثبیت بر اساس دو محور آمریکا و چین شده است. در این راستا، حمله روسیه به اوکراین و یک سلسله تعطیلی‌های مرتبط با کرونا در چین، ظاهراً چندان ربطی به یکدیگر ندارند. با این حال، هر دوی این رخدادها، چرخشی را تسریع می‌کنند که جهان را به مسیر خطرناکی می‌کشاند، آن را به دو نیمه تقسیم می‌کند که یکی بر محور واشنگتن و دیگری بر محور پکن تمرکز دارد (Schuman, 2022: 12).

مروری بر اسناد امنیتی ملی آمریکا هم نشان می‌دهد، قطب‌نمای سیاست خارجی آمریکا نیز بر روی «چین» به‌عنوان «فوری‌ترین تهدید» برای امنیت این کشور تنظیم شده است. در آمریکا بین دموکرات‌ها، جمهوری‌خواهان و البته اندیشکده‌های این کشور، نوعی اجماع وجود دارد که چین مهم‌ترین تهدید وجودی برای این کشور در دهه‌های آینده خواهد بود. نگرانی‌ها در واشنگتن بی‌دلیل نیست؛ چرا که چین تمامی ظرفیت‌ها و ابزارهای لازم را برای تبدیل شدن به یک قدرت هژمون جهانی دارا می‌باشد. سرزمین وسیع، جمعیت زیاد، تاریخ چندهزار ساله،

قدرت نظامی و به‌طور ویژه اقتصاد رو به رشد و ذخایر ارزی بیش از ۳.۲ تریلیون دلاری (8 Jan Globaltimes, 2022)، به چینی‌ها این امکان و قابلیت را می‌دهد که گوشه چشمی به جایگاه رأس هرم توزیع قدرت جهانی داشته باشند و البته این منطق قدرت است که میل به گسترش و تحمیل اراده خود دارد. فوکویاما سال ۲۰۱۳ هشدار داده بود که با توجه به عطش چین برای ارتقای جایگاه خود و بی‌میلی آمریکا برای ایفای نقش رهبری، جهان در حال ورود به یک دنیای بدون غرب است که در آن نقش رهبری ایالات متحده در حال تضعیف و زمینه برای ابرقدرتی چین در حال مهیا شدن است (Fukuyama, 2013: 23).

تا پیش از جنگ اوکراین، نظریه‌پردازان واقع‌گرا بر این باور بودند که آمریکا برای مهار قدرت چین باید یک ائتلاف در منطقه آسیا تشکیل دهد و حتی با روسیه نیز در زمینه مهار قدرت چین همکاری کند اما جنگ اوکراین این تلاش را بر هم زد. اولاً از تمرکز آمریکا بر شرق آسیا به‌عنوان نقطه کانونی تنش بین واشنگتن و پکن جلوگیری کرد و ثانیاً روسیه را به‌طور کلی از اردوگاه غرب جدا و به چین نزدیک کرد. جنگ اوکراین یکی از مؤلفه‌های اصلی تشدید بلوک‌بندی در نظام بین‌الملل در دهه‌های آینده خواهد بود. آمریکا، اروپا و متحدین آسیایی واشنگتن در یک سر این بلوک‌بندی قرار دارند؛ روسیه، چین و متحدین آنها مثل بلاروس و کره شمالی در طیف دیگر این بلوک‌بندی. در بین این بلوک‌بندی‌ها، رقابت حاکم خواهد بود و در درون بلوک‌ها همکاری بین متحدین تشدید خواهد شد.

۲-۳. جهانی زدایی

«جهانی‌زدایی»^۱ حرکتی به سوی جهانی کمتر مرتبط است که با دولت‌های ملی قدرتمند، راه‌حل‌های محلی و کنترل‌های مرزی مشخص می‌شود تا نهادها و معاهدات جهانی و حرکت آزاد. برخی با استناد به رویدادهای چند سال اخیر مانند برگزیت، ترامپ‌سیسم و کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دهه گذشته (که به موجب آن ساکنان یک کشور در اقتصاد کشور دیگری سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت می‌کنند) اعلام می‌کنند که جهان وارد دوره جهانی‌زدایی شده است. اما اشتباه است که بگوییم جهان به‌طور قطعی در دوره جهانی‌زدایی قرار دارد. پدیده‌هایی مانند پاندمی کووید-۱۹، جنایات بین‌المللی و تغییرات آب‌وهوایی نشان دهنده ارتباط مداوم، همکاری‌ها و اتصالات جهانی است. بهتر است این مسئله را به‌عنوان یکی

^۱. Deglobalization

از تعادل‌های بین نیروهای جهانی سازی و جهانی‌زدایی درک کنیم. منصفانه است که بگوییم در غرب امروز، برخلاف دهه ۱۹۹۰، کفه ترازو به سمت سوء ظن بیشتر نسبت به رویکردهای جهانی شده است. موجی از سیاست‌های پوپولیستی در اروپا و ایالات متحده موجی از مخالفت‌ها را با اقتصادهای جهانی شده و نهادهای بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی (WTO) و ناتو برانگیخته است. خروج از اتحادیه اروپا (EU) در قوانین اساسی احزاب پوپولیست در کشورهایی مانند لهستان و مجارستان نوشته شده است. سازمان ملل به‌طور گسترده‌ای ضعیف و در زمینه‌های زیادی دچار ناکارآمدی شده است (Chathamhouse, 2021).

۳-۳. تقویت دوباره اتحاد فرآتلانتیک (ناتو)

از تبعات اصلی جنگ اوکراین تقویت اتحاد فرآتلانتیک بوده است (Schuman, 2022: 13). در همین راستا، تمایل برخی کشورهای شرق اروپا برای پیوستن به این ائتلاف نظامی دو چندان شده است. در این میان، حتی امکان گسترش ناتو به سمت آسیا نیز وجود دارد. برخی کشورها ممکن است مثل استرالیا؛ نیوزیلند؛ کره جنوبی و ژاپن، به تدریج وارد ناتو شوند و حتی کشورهای کوچک‌تری که در واقع متحدین غرب در آسیا محسوب می‌شوند، وارد فرایند عضویت در ناتو شوند. در قاره آمریکا هم برخی کشورها را می‌توان به‌عنوان کاندیدای عضویت در ناتو در نظر گرفت، به عنوان مثال کلمبیا به‌عنوان متحد ناتو در قاره آمریکا مطرح می‌باشد (مصاحبه با آفاجانی، ۱۴۰۱).

در اروپا، به عنوان مثال عضویت «فنلاند» و «سوئد» در ناتو زمانی غیرممکن تلقی می‌شد و مردم هر دو کشور حتی در دوره جنگ سرد و پس از الحاق شبه جزیره «کریمه» به روسیه هم در سال ۲۰۱۴ تمایلی به عضویت در ناتو نداشتند. اما حمله روسیه به اوکراین آن‌ها را به سمت پیوستن به ناتو سوق داده است. در فنلاند، نگرانی فزاینده‌ای وجود دارد که این کشور به دلیل داشتن ۱۳۰۰ کیلومتر مرز با روسیه بسیار آسیب‌پذیر است. هر دو کشور، اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که بدون عضویت در ناتو نمی‌توان در شرایط اضطراری روی حمایت کامل نظامی سایر کشورهای غربی حساب کرد (DW, 13 April 2022).

۳-۴. افزایش بی‌ثباتی سیاسی در جهان

با توزیع مجدد قدرت جهانی، هنجارها و نهادهای فعلی به چالش کشیده خواهند شد و فشارهای جدیدی پدیدار خواهند شد. محیط حقوقی بین‌المللی احتمالاً پراکنده‌تر می‌شود و

تفسیرهای محلی و منطقه‌ای رقابتی استانداردهای بین‌المللی به‌طور فزاینده‌ای رواج پیدا می‌کند (Global Strategic Trends, 2018). بسیاری از روندها و رویدادهای کنونی نیز مثل جنگ اوکراین، بحران کره، افزایش کشورهای ورشکسته، بحران‌های سیاسی در منطقه غرب آسیا و شبه قاره، بحران‌های زیست محیطی مثل خشک‌سالی و کمبود منابع و افزایش منازعات درون دولتی تأییدی هستند بر این که جهان به سمت بی‌ثباتی بیشتر حرکت می‌کند و این بی‌ثباتی به نوبه خود منابع بیشتری از کشورها را به سمت بخش‌های نظامی و امنیتی هدایت می‌کند. بی‌ثباتی بیشتر البته به معنی عدم همکاری بین دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ نخواهد بود و آن‌ها در حوزه‌های سیاست «ادنی» یا حوزه‌هایی که منافع مشترک همکاری بیش از مضرات آن خواهد بود، همکاری خواهند کرد. برخی از کارشناسان بر این باور هستند که بی‌ثباتی کنونی در سطح جهان تا زمانی که یک جنگ بزرگی مثل جنگ جهانی اول یا دوم رخ ندهد، همچنان ادامه خواهد داشت؛ تا این جنگ بزرگ رخ ندهد و خطوط تماس بین قدرت‌ها مشخص نشود، این سیالیت در جهان ادامه خواهد داشت (مصاحبه با آقاجانی، ۱۴۰۱).

۳-۵. تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ

از نظر تاریخی، زمانی که قدرت‌های بزرگ ظهور می‌کنند و جهان را تغییر می‌دهند، موازنه ژئوپلیتیکی جهان برهم می‌خورد و منازعه و درگیری به‌دنبال این مسئله اتفاق می‌افتد. تغییر در نظم جهانی احتمالاً فرصت‌ها و انگیزه‌های متعددی را برای قدرت‌های بزرگ ایجاد می‌کند؛ تا یکدیگر را در مناطق مختلف به چالش بکشند (Global Strategic Trends, 2018).

جنگ اوکراین نیز رقابت قدرت‌های بزرگ را تشدید کرده و می‌تواند با یک فرض به بی‌ثباتی بیشتر در نظام بین‌الملل نیز منجر شود. از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ (۵ اسفند ۱۴۰۰) که روسیه به اوکراین حمله کرد، شدیدترین تحریم‌ها در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و حتی ورزشی علیه روسیه از سوی اروپا و آمریکا و متحدین آنها اعمال شده است. روسیه در شرایط کنونی با بیش از ۵ هزار تحریم علیه افراد؛ نهادها؛ سازمان‌های این کشور، به تحریم شده‌ترین کشور جهان تبدیل شده است (NPR, 11 March 2022).

تحریم‌ها با هدف تنبیه روسیه و اجبار پوتین به عقب نشینی از اوکراین صورت می‌گیرد اما می‌تواند به‌عنوان یک تیغ دو لبه نیز عمل کند. هر چند آمریکا و متحدانش باید روسیه را به‌عنوان مسئول جنگ پاسخگو بدانند ولی مهم است که از تبدیل روسیه به یک موجود علیل و

نامتعادل و یک تخریب‌گر بین‌المللی اصلاح‌ناپذیر، یا هر دو، اجتناب کنند. این رویه لاجرم نیازمند توازنی دشوار است. احتمالاً باید برخی تحریم‌ها و سایر اقدامات تنبیهی علیه روسیه، به دلیل تجاوزش، باقی بماند اما وارد کردن یک شوک بزرگ اقتصادی، می‌تواند این کشور را بی‌ثبات کند و سناریوی کابوس‌گونه دهه ۱۹۹۰، روسیه آشوب‌زده را بازگرداند (Charap, 2022).

۳-۶. ظهور چهره‌های جدید قدرت

قدرت واقعی چند وجهی است. یک جنبه آن زور است. وجه دیگر قدرت تجاری و اقتصادی است و بعد دیگر آن قدرت گفتمانی، اقناعی و ایدئولوژیک است (مصاحبه با رئیسی‌نژاد، ۱۴۰۱). روندهای جهانی و فن‌آوری با هم ترکیب شده، وابستگی متقابل پیچیده را ایجاد کرده و راه‌ها و ابزارهای بیشتری را برای تأثیرگذاری دولت-ملت‌ها بر یکدیگر فراهم کرده‌اند. اصطلاحات «قدرت نرم»^۱، «قدرت هوشمند»^۲ و «قدرت تیز»^۳ نیز در همین راستا همگی برای توصیف چگونگی دستیابی به نفوذ فراتر از استفاده از قدرت نظامی و اقتصادی ساده به کار گرفته می‌شوند. با تحولات کنونی تعداد فزاینده‌ای از بازیگران توانایی تأثیرگذاری بر رویدادها در سراسر جهان را دارند. فن‌آوری‌هایی مانند فضای مجازی عرصه‌های جدیدی را باز می‌کنند که در آن می‌توان خواسته‌های انسان را با اطمینان‌تر و کارآمدتر از «دنیای واقعی» برآورده کرد. اگرچه میزان نفوذ و قدرت در این عرصه‌ها مشخص نیست. شهروندان ممکن است به طور فزاینده‌ای به دنبال وفاداری به اشکال اقتدار فراتر از دولت ملی باشند (Global Strategic Trends, 2018) در دوران جنگ سرد قدرت تنها در بعد نظامی آن خلاصه می‌شد اما با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد شاهد انتقال قدرت به حوزه اقتصادی بودیم، به دنبال انقلاب در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی جهان شاهد مؤلفه‌های جدیدی از قدرت می‌باشد. این فناوری‌ها چهره‌های جدیدی از قدرت را به نمایش گذاشته بازیگران سنتی مثل دولت‌ها را تضعیف و بازیگران جدیدی را تقویت کرده است (مصاحبه با مفیدی احمدی، ۱۴۰۰).

1. soft power

2. smart power

3. Sharp power

۳-۷. توزیع قدرت

تحولات دهه‌های اخیر در ابعاد اقتصادی، سیاسی و نظامی نشان می‌دهد که انحصار قدرت از آمریکا و اروپا خارج شده است و شاهد توزیع نامتقارن قدرت در سطح بین‌المللی به خصوص شیفت قدرت از غرب به شرق در ابعاد مختلف آن هستیم. ادامه این روند در میان کشورها تا سال ۲۰۳۰ تأثیر چشمگیری بر تحولات آینده خواهد داشت. آسیا از نظر قدرت جهانی، بر اساس تولید ناخالص داخلی، اندازه جمعیت، هزینه‌های نظامی و سرمایه‌گذاری فن‌آوری، از آمریکای شمالی و اروپا پیشی خواهد گرفت. چین به تنهایی احتمالاً بزرگترین اقتصاد را خواهد داشت. علاوه بر چین، هند و برزیل، بازیگران منطقه‌ای مانند کلمبیا، اندونزی، نیجریه، آفریقای جنوبی و ترکیه اهمیت ویژه‌ای برای اقتصاد جهانی خواهند داشت (Alternative Worlds, ۲۰۱۲).

۴. روندها و رویدادهای امنیتی

در عرصه امنیتی نیز روندهای مهمی، امنیت بین‌الملل را تا سال ۲۰۳۰ شکل خواهد داد. نکته کلیدی در مورد این روندها این است که به دلیل تأثیر و تأثر شدید روندهای سیاسی، امنیتی از یکدیگر، بسیاری از روندهای امنیتی تقویت‌کننده روندهای سیاسی خواهد بود و بالعکس.

۴-۱. افزایش سرمایه‌گذاری‌های نظامی کشورها

مطالعه و مقایسه هزینه‌های نظامی کشورها طی یک دهه اخیر نشان می‌دهد هزینه‌های دفاعی در سطح جهان رو به افزایش است. «انستیتو پژوهش‌های صلح استکهلم»^۱ افزایش بودجه نظامی کشورهای جهان در سال ۲۰۲۱ را در دهه گذشته بی‌سابقه اعلام کرده است. در این گزارش آمده است: «هزینه‌های نظامی کشورهای جهان در سال 2021 و با وجود پیامدهای اقتصادی همه‌گیری ویروس کرونا به روند صعودی خود برای هفتمین سال متوالی ادامه داده و با ثبت رکوردی تازه به 2.1 تریلیون دلار رسیده است (Euronews, 25 April 2022).

گزارش سیپری نشان می‌دهد که با افزایش تنش‌ها در اروپا، کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو هزینه‌های نظامی خود را در سال ۲۰۲۱ افزایش داده‌اند. به این ترتیب ۸ کشور عضو ناتو ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف هزینه‌های نظامی‌شان کرده‌اند. براساس این گزارش، هزینه‌های نظامی آمریکا در سال ۲۰۲۱ به ۸۰۱ میلیارد دلار رسیده که

^۱. Stockholm International Peace Research

۱.۴ درصد نسبت به روند سال پیش کاهش یافته است. این گزارش همچنین نشان می‌دهد که چین هم هزینه‌های نظامی خود را در سال ۲۰۲۱ میلادی ۴.۷ درصد افزایش داده و به ۲۹۳ میلیارد دلار رسانده است. به این ترتیب هزینه‌های نظامی پکن برای بیست و هفتمین سال متوالی افزایش یافته است. (Euronews, 25 April 2022)

۴-۲. کاهش منازعات بین دولتی و افزایش منازعات درون دولتی

در سطح جهان، نسبت تلفات جانی به دلیل درگیری‌های مسلحانه در پایین‌ترین سطح خود از اواخر قرون وسطی است. اروپای غربی هرگز شاهد چنین دوره طولانی صلح نبوده است، درگیری دولت به دولت در آمریکای شمالی و اقیانوسیه تقریباً غیرقابل تصور است و همچنین بیش از ۲۰ سال از وقوع یک درگیری بین‌المللی در آمریکای لاتین می‌گذرد. با افزایش تجارت بین کشورها، روابط بین آن‌ها نیز همین‌طور است. با افزایش وابستگی متقابل، هزینه‌های درگیری نیز برای دو طرف افزایش می‌یابد، که نشان می‌دهد در صورت جهانی شدن تجارت، خطر درگیری دولت به دولت کاهش می‌یابد. اما در حالی که میزان وقوع درگیری‌های دولتی رو به کاهش است، تعداد درگیری‌های مسلحانه، به‌ویژه درگیری‌های درون دولتی در حال افزایش است (Global Strategic Trends, 2018).

در واقع، هزینه‌های بسیار بالای جنگ‌ها و منازعات بین دولتی از یک سو، افزایش فعالیت‌های گروه‌های سلفی - تکفیری در جهان اسلام به‌طور عام و منطقه خاورمیانه به‌طور خاص و امکان سربازگیری این گروه‌ها از میان طبقات ضعیف جامعه در کشورهای ورشکسته، خطر افزایش منازعات درون دولتی را در بین کشورهای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا افزایش می‌دهد. در سایر مناطق نیز به غیر از استثنای جنگ اوکراین، ظرفیت‌های منازعات درون دولتی بسیار بیشتر از منازعات بین دولتی است؛ چرا که فن‌آوری و شبکه‌های اجتماعی به افراد و گروه‌ها با ایدئولوژی‌های مختلف و بعضاً متعارض اجازه می‌دهد که به راحتی یکدیگر را پیدا کرده و قدرت بسیج‌کنندگی این گروه‌ها را در راستای اهداف خود بسیار بالا برده است. به عنوان مثال گسترش فعالیت‌های راست‌های افراطی در کشورهای اروپایی (Euronews, 3 Nov 2019).

۴-۳. افول نهادهای بین‌المللی کنونی و ظهور نهادهای جدید صریح و ضمنی

ناتوانی سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن در حل بحران‌های مختلف سیاسی و امنیتی نشان داده است که نهادهای بین‌المللی نظم کهن، روند رو به افول و ناکارآمدی را تجربه

می‌کنند. سازمان‌ها، نهادها و رژیم‌های کنونی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی تا حدود زیادی نتیجه نظام بین‌المللی بود که بعد از جنگ دوم جهانی توسط دولت‌ها شکل گرفت. این نهادها و رژیم‌ها برای مقابله با انتشار قدرت، تکثیر بازیگران زیر سطح دولتی، تهدیدات در فضای مجازی، بهره‌برداری از اطلاعات و جنگ سیاسی و اقتصادی تکامل نیافته‌اند (Global Strategic Trends, 2018).

جنگ اوکراین رویدادی است که روند افول نهادهای بین‌المللی را طی سال‌های آینده تشدید خواهد کرد. اروپا و آمریکا با علم به این که جنگ مستقیم بین قدرت‌های بزرگ هزینه‌های سنگینی می‌تواند داشته باشد، در صدد تقویت رژیم‌های تحریمی موجود و ایجاد رژیم‌های تحریمی جدید هستند. با تضعیف رژیم‌های دلار، پایه یا استفاده بیش از حد آمریکا از رژیم‌های تحریمی لیبرال زمینه برای ظهور رژیم‌های ضد تحریمی جدیدی نیز فراهم می‌شود (مصاحبه با مفیدی احمدی، ۱۴۰۱)؛ چرا که کشورهایی مثل روسیه و چین و شاید در سال‌های آینده هند، برزیل یا ترکیه که هدف این رژیم‌های تحریمی هستند، در بین خود سعی می‌کنند برای خنثی کردن رژیم‌های تحریمی، رژیم‌های ضد تحریمی را به صورت صریح یا ضمنی تأسیس کنند. نشانه‌های تأسیس این رژیم‌های ضد تحریمی به وضوح در روابط بین روسیه و چین مشاهده می‌شود و این دو کشور در روابط تجاری خود به سرعت در حال حذف دلار و جایگزینی آن با ارزهای ملی هستند (Euronews, 14 March 2022).

۴-۴. تشدید جنگ‌های ترکیبی (شناختی، سایبری)

روندها و رویدادهای کنونی نشان می‌دهد که بازیگران عرصه نظام بین‌الملل با سرعت هر چه تمام به دلیل مزیت فوق‌العاده «جنگ‌های ترکیبی»^۱ به سمت این نوع جنگ‌ها پیش می‌روند. مفهوم «جنگ ترکیبی» ممکن است کاملاً جدید نباشد؛ چرا که بسیاری معتقدند که قدمت این نوع از جنگ به اندازه خود جنگ است. با این وجود در سال‌های اخیر، از آن جایی که دولت‌ها و بازیگران غیردولتی فن‌آوری اطلاعات را به کار می‌گیرند تا دشمنان خود را در خلال یا - مهم‌تر از آن - در غیاب یک درگیری مسلحانه مستقیم، تحت سلطه خود درآورند؛ این نوع از جنگ، ارزش و اهمیت زیادی پیدا کرده است. اگر جنگ شناختی^۲ که یکی از زیرمجموعه‌های جنگ ترکیبی است با موفقیت انجام شود، باورها و رفتارهای فردی و گروهی را شکل داده و

¹. Hybrid warfare

². Cognitive warfare

تحت تأثیر قرار می‌دهد، تا به نفع اهداف تاکتیکی یا استراتژیک دشمن یا مهاجم تغییر کند. جنگ شناختی در شکل شدید و افراطی خود، این ظرفیت و توانایی را دارد که کل جامعه را بشکند و از هم فرو بپاشد، به طوری که دیگر اراده جمعی برای مقاومت در برابر نیت دشمن از بین برود و وجود نداشته باشد (Nato Review, 2021).

مزیت جنگ‌های سایبری^۱ نیز صرفه اقتصادی آن است و از تبعات توسعه اقتصادی کشورها نیز می‌باشد، چون جنگ‌های مستقیم نظامی هزینه‌های بسیار سنگینی در پی دارد. به همین دلیل هم طی دهه‌های آینده شاهد افزایش روز افزون آن خواهیم بود (میریوسفی، ۱۴۰۱). این نوع جنگ طی سال‌های اخیر افزایش چشم‌گیری داشته است. به عنوان مثال در سال ۲۰۲۰، حملات بدافزار و باج‌افزار به ترتیب ۳۵۸ درصد و ۴۳۵ درصد افزایش یافت و از توانایی جوامع برای جلوگیری یا واکنش مؤثر به آن‌ها پیشی گرفته است (The Global Risks Report, 2022). بر اساس ارزیابی جامعه اطلاعاتی ایالات متحده، تنها تعداد معدودی از کشورها در سال ۲۰۰۷ دارای قابلیت‌های سایبری تهاجمی بودند. این تعداد در سال ۲۰۱۷ به بیش از ۳۰ کشور افزایش یافته بود (Rand, 2020).

۴-۵. تغییر ماهیت تهدیدات امنیتی

نگرانی‌های امنیتی جهان همچنان به‌عنوان یک تأثیر قابل توجه در امور جهانی ادامه خواهد داشت، اگرچه به همان اندازه واضح است که ماهیت تهدیدات در حال تغییر است. به طور خاص، روندهای بزرگ جهانی مانند ظهور افراد، توانمندسازی فن‌آوری، فشار منابع و تا حدودی تغییرات جمعیت‌شناسی، بر ماهیت تهدیدات امنیتی تأثیر می‌گذارد، بنابراین پاسخ‌های جایگزین را از سوی دولت‌ها می‌طلبد. اینترنت و فن‌آوری‌های جدید به‌طور اجتناب‌ناپذیری خطر تهدیدات سایبری را افزایش داده است. در حال حاضر، حملات سایبری ۳۰۰ میلیارد دلار تا یک تریلیون دلار خسارت جهانی را شامل می‌شود، به طوری که هرکس روزانه یک ترابایت داده را از دولت‌ها، مشاغل، ارتش‌ها و امکانات دانشگاهی سرقت می‌کنند (Future State 2030, 2014).

۴-۶. تضعیف انحصار دولت در به کارگیری خشونت

بازیگران غیردولتی - و یا نیروهای نیابتی در درگیری‌های منطقه خاکستری - به یمن دگرگونی‌های به وجود آمده در فن‌آوری نظامی و ارتباطات می‌توانند با سهولت بیشتری دولت‌ها

^۱. Cyber warfare

را بی‌ثبات کنند (Rand, 2020). فن‌آوری‌های جدید امکاناتی را در اختیار بازیگران نظام بین‌الملل (افراد، گروه‌ها) قرار داده است که بیشترین حجم خشونت را با بالاترین میزان تأثیرگذاری و صدمات بر دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی عرصه نظام بین‌الملل تحمیل می‌کنند. تحولات و رویدادهای کنونی نظام بین‌الملل نشان می‌دهد که این روند نیز در ده‌های آینده به شدت تشدید خواهد شد.

۴-۷. هوش مصنوعی به عنوان رده‌ای از فن‌آوری‌های تحول‌آفرین^۱

فن‌آوری نظامی جدیدی - از همه قابل‌توجه‌تر هوش مصنوعی^۲ - در راه است که می‌تواند موازنه‌های نظامی کنونی را بر هم بزند (Rand, 2020: 5). به‌طور ویژه چین در تلاش است تا با استفاده از هوش مصنوعی در حوزه نظامی موازنه قوا را در این عرصه به نفع خود تغییر دهد (Kania, 2017). وزارت دفاع آمریکا «پنتاگون» نیز به سرعت در حال به‌روزرسانی قابلیت‌های خود برای بهره‌گیری از هوش مصنوعی است و از پروژه‌ها و تحقیقات در این عرصه حمایت می‌کند (Rand, 2022: 5).

نشریه «فارین افیرز» در گزارشی از شروع گسترده یک رقابت تسلیحاتی در حوزه هوش مصنوعی خبر داده و می‌نویسد: «در حال حاضر، بیش از ده دولت، ابتکارات ملی خود در حوزه هوش مصنوعی را اعلام کرده‌اند. در سال ۲۰۱۷، چین از برنامه خود تا سال ۲۰۳۰ برای رهبری جهانی در حوزه هوش مصنوعی پرده‌برداری کرد و کاخ سفید نیز طرح ابتکاری هوش مصنوعی آمریکا را راه‌اندازی کرده است. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ هوش مصنوعی بین ۱۳ تا ۱۵ تریلیون دلار به اقتصاد جهانی بیفزاید (Scharre, 2019).

۴-۸. ابهام در استفاده از تحریم‌ها به عنوان اهرم سیاسی و امنیتی

مسئله تحریم‌ها را نیز می‌توان به دلیل اهمیت آن به عنوان یک روند جهانی که به شدت از سوی قدرت‌های بزرگ علیه یکدیگر و سایر بازیگران اعمال می‌شود، به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار داد. اگر سایر اقتصادهای بزرگ جهان در واکنش به استفاده بیش از حد آمریکا از

^۱. در ادبیات آینده‌پژوهی، آینده جهانی بر اساس نقش‌آفرینی هوش مصنوعی را آینده آشنا Familiar future می‌خوانند. (موسوی نیا، ۱۳۹۹: ۱۱) منظور از آینده‌های آشنا، تصویری است که از جهان آینده بر اساس پیشرفت تکنولوژی از جمله هوش مصنوعی ترسیم می‌شود.

^۲. Artificial intelligence

تحریم اقتصادی، به توسعه ابزارهای جایگزین برای پرداخت‌های بین‌المللی بپردازند، اگر هماهنگی بین متحدان امریکا دشوارتر شود و اگر کشور چین بخش مالی خود را از آن‌چه که امروز هست، بازتر کند؛ قدرت ایالات متحده در استفاده از ابزارهای اجباری مطلوب خود، یعنی تحریم‌های اقتصادی، ممکن است کاهش یابد. در صورت ناکارآمدتر شدن تحریم‌ها، شاید آمریکا نیاز داشته باشد که به شکل‌های جنبشی‌تر اجبار (همانند برخورد نظامی) متوسل شود (Rand, 2020: 6). باید توجه داشت که هنوز قدرت رژیم‌های تحریم کاهش پیدا نکرده است، هر روز در قالب ابزارها و شیوه‌های جدیدی بروز و ظهور می‌کند (مصاحبه با آقاجانی، ۱۴۰۱).
به دلیل افزایش هزینه‌های بالای توسل به قدرت نظامی و جنگ در نظام بین‌الملل کنونی و امکاناتی که فناوری در اختیار بازیگران قرار داده است به طوری که حتی قدرت‌های بزرگ نیز قادر نیستند در یک جنگ نظامی حتی با دولت‌های ضعیف‌تر اهداف و منافع خود را به راحتی پیش ببرند، رژیم‌های تحریمی طی دهه‌های آینده به مهم‌ترین ابزار در دستان قدرت‌های بزرگ به‌ویژه اروپا و آمریکا برای تحمیل خواسته‌های خود بر سایر دولت‌ها، تبدیل خواهد شد و این ابزار تحریم نیز روز به روز کامل‌تر خواهد شد (مصاحبه با آقاجانی، ۱۴۰۱) اما چنان‌که گفته شد، شرط تأثیر این رژیم‌های تحریمی اجماع‌سازی بر سر استفاده از آن خواهد بود و در صورتی که قدرت‌های بزرگی مثل چین یا روسیه و هند و قدرت‌های نوظهوری مثل برزیل، اندونزی، ترکیه و... با این رژیم‌های تحریمی همراهی نکنند، تأثیرپذیری آن‌ها کاهش پیدا خواهد کرد اما از بین نخواهد رفت.

۹-۴. تشدید جنگ‌های مذهبی

اگر در قرن بیستم جنگ‌ها بر سر ایدئولوژی بودند، در قرن بیست‌ویکم تعداد زیادی از جنگ‌ها با بهانه‌هایی مذهبی انجام شدند. با وجود امیدهایی که «بهار عربی» در سال ۲۰۱۱ برانگیخت، افراط‌گرایی هم‌چنان به پیکار طولانی خود با ارزش‌های غربی ادامه می‌دهد و بی‌میلی غرب به تکرار تجربه افغانستان و تضعیف دکترین مداخله‌گرایی لیبرال باعث شده است که تعداد دولت‌های ضعیف و در آستانه سقوط در منطقه بالا رود و گزینه‌های پیش‌روی شبکه‌های تروریستی افزایش پیدا کند (اندرو، فرانکلین، ۲۰۱۶: ۵۸).

۱۰-۴. تشدید بی‌ثباتی در مناطق راهبردی جهان

رقابت قدرت‌های بزرگ از یک سو و پویایی‌های منطقه‌ای از سوی دیگر، نشان می‌دهد در طی چند دهه آینده نامنی جهانی تشدید می‌شود. رقابت قدرت‌های بزرگ طی چند دهه

گذشته در مناطق حائل مثل شرق اروپا، شرق آسیا تشدید شده و به بروز بی‌ثباتی گسترده‌تری منجر شده است (Alternative Worlds, ۲۰۱۲). جنگ اوکراین رویدادی است که تأثیر مستقیمی بر تشدید بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای خواهد داشت. جدای از شرق اروپا که در شرایط کنونی شدیدترین بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی را تجربه می‌کند، تشدید بلوک‌بندی‌های قدرت بین قدرت‌های بزرگ باعث می‌شود که بی‌ثباتی در شرق اروپا به مناطق دیگر جهان نیز که شاهد رقابت قدرت‌های بزرگ هستند، سرریز شود. خاورمیانه و زیر سیستم خلیج فارس اولین کاندیدای این بی‌ثباتی هستند و به نظر می‌رسد که بحران‌های این منطقه مثل بحران سوریه بعد از مدتی آرامش دوباره تشدید شود. مسئله دیگری که در این میان وجود دارد، تلاش غرب برای بی‌نیاز شدن از انرژی روسیه می‌باشد. ضرورت این مسئله، نزدیکی بیشتر اروپا و آمریکا به کشورهای نفت خیز منطقه خاورمیانه می‌باشد. تأمین انرژی غرب از سوی کشورهای منطقه خاورمیانه، تأثیرات امنیتی شدیدی را بر ضد روسیه در پی خواهد داشت و موجب می‌شود، غرب با فراغ بال بیشتری به تقابل با روسیه بپردازد.

۴-۱۱. جنگ اوکراین به مثابه رویدادی تحول آفرین

سرانجام در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ (۵ اسفند ۱۴۰۰) روسیه بعد از مدت‌ها گمانه‌زنی، از زمین، هوا و دریا به اوکراین حمله کرد. پیش‌روی سریع ارتش روسیه در ساعات اولیه جنگ، همگان را بر این باور رسانده بود که اوکراین تاب مقاومت در مقابل ماشین جنگی قدرتمند روسیه را ندارد اما حمایت گسترده نظامی از اوکراین و ارسال تسلیات و تجهیزات نظامی بسیار پیشرفته و ترکیب فن‌آوری و استراتژی موجب شد که روسیه نتواند به اهداف اولیه خود در این جنگ برسد. در ادامه نیز تحریم‌های گسترده علیه نهادها و شخصیت‌های سیاسی و اقتصادی روسیه و هم‌چنین اخراج از شورای حقوق بشر سازمان ملل و اخراج گسترده دیپلمات‌های روسیه از کشورهای غربی، موجب شد که مسکو در سه جبهه نظامی، اقتصادی و سیاسی متحمل هزینه‌های سنگینی شود. این جنگ از رویدادهای روندساز محسوب شده و تأثیرات شگرفی را در دهه‌های آینده بر نظام بین‌الملل به همراه خواهد داشت. تشدید بلوک‌بندی‌های قدرت در نظام بین‌الملل، افزایش بی‌ثباتی منطقه‌ای، تشدید سرمایه‌گذاری‌ها در غرب برای انرژی‌های جایگزین، افزایش هزینه‌های نظامی، تقویت نقش و جایگاه ناتو و تضعیف جهانی‌سازی، از جمله روندهایی هستند که به‌طور مستقیم به این رویداد بسیار مهم ارتباط دارند. جنگ اوکراین با هر

نتیجه‌ای که به اتمام برسد، شاید نتواند به تنهایی مانند فروپاشی شوروی در سال ۱۹۸۹ ساختار نظام بین‌الملل را تغییر دهد اما به شدت می‌تواند مانند حادثه ۱۱ سپتامبر، بلوک‌بندی جدیدی در سطح نظام بین‌الملل و مناطق ایجاد کند.

۵. کلان روندهای سیاسی - امنیتی

ساده‌سازی در عین لحاظ‌کردن پیچیدگی‌ها و درهم‌تنیدگی سطوح تحلیل، یکی از اصول بنیادین مطالعات آینده است. بر این اساس، تا جایی که امکان دارد، باید روندها را در یکدیگر ادغام و به کلان روندهای آینده‌ساز تبدیل کرد. روندها نیز حاصل جمع ریز روندها هستند. در این پژوهش نیز به دلیل درهم‌تنیدگی و پیوستگی روندها و رویدادهای سیاسی و امنیتی، اولاً آن‌ها را با یکدیگر ادغام نموده و سپس تا جایی که امکان دارد، روندها را در ذیل یک کلان روند تعریف می‌کنیم؛ تا احصاء پیشران‌ها در ماتریس تأثیر متقابل روندها و رویدادها با شفافیت و دقت بیشتری صورت پذیرد. بر این اساس، مجموعه روندهای سیاسی و امنیتی را در ذیل ۱۴ کلان روند آینده ساز ادغام کردیم:

- افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ؛
- افول رژیم‌های بین‌المللی کهن و امکان ظهور رژیم‌های جدید؛
- ظهور قدرت‌های جدید بین‌المللی، دولتی و غیردولتی؛
- نقش‌آفرینی چهره‌های جدید قدرت؛
- افزایش نقش بازیگران غیردولتی؛
- تقویت نقش بازیگران آشوب‌زا؛
- ظهور جنگ‌های ترکیبی؛
- افزایش منازعات درون‌دولتی؛
- افزایش سرمایه‌گذاری‌های نظامی؛
- افزایش سرمایه‌گذاری در فن‌آوری‌های نوین؛
- ابزار تحریم؛ اهرم سیاسی و امنیتی؛
- افزایش بی‌ثباتی منطقه‌ای؛
- جنگ اوکراین؛
- جهانی‌زدایی؛

۶. پیشران‌های سیاسی - امنیتی

با احصاء روندهای کلان نوبت به ترسیم ماتریس تأثیر متقابل کلان روندهای سیاسی - امنیتی بر روی یکدیگر می‌رسد. در این مرحله، چنانچه در جدول ملاحظه می‌شود، ۱۴ کلان روند در ستون افقی و عیناً همان ۱۴ روند در ستون عمودی درج می‌شود. هر یک از روندهای عمودی، روند معلول و هر یک از روندهای افقی، روند عامل در نظر گرفته شده و سپس تأثیر هر یک از روندهای ستون افقی بر روند معلول با هم‌فکری تیم آینده‌پژوه سنجیده می‌شود و سپس در تقاطع روند معلول و روند عامل، مفاهیم تقویت، تضعیف، خنثی، قاطع و تقویت - تضعیف نگاشته می‌شود. نتایج هر یک از روندها در آخرین ستون عمودی درج می‌شود. در این ماتریس، هیچ روندی اثر خنثی بر روند معلول نداشته است. هم‌چنین هیچ روند عاملی روند معلول را قطع نکرده است. نتیجه تضارب روندهای عامل بر هر یک از روندهای معلول؛ یا تقویت یا تضعیف و یا تئامان تقویت - تضعیف بوده است. خروجی این ماتریس، روندهایی است که یا پیشران «بسیار قوی»، یا «قوی» و یا پیشران «ضعیف» شده‌اند. پیشران‌های «بسیار قوی»، روندهایی هستند که در تضارب با ۱۳ روند دیگر تقویت شده‌اند. پیشران‌های «قوی» روندهایی هستند که در تضارب با ۱۳ روند دیگر عمدتاً تقویت و در مورد معدودی تضعیف شده‌اند. پیشران‌های «متوسط» نیز در تضارب با سایر روندها هم تقویت و هم تضعیف شده‌اند. در ترسیم آینده‌های محتمل، پیشران‌های «بسیار قوی» و «قوی» بیش‌ترین نقش را ایفاء می‌کنند. کلان‌روندهایی که در تضارب با سایر روندها عمدتاً تضعیف می‌شوند، پیش‌رانی «ضعیف» بوده و در مرحله ترسیم آینده‌های محتمل توسط آینده پژوه کنار گذاشته می‌شوند.

سیاسی - امنیتی ^۱ رویدادهای مقابل روندها و ماتریس تأثیر		
نتایج	۹ تقویت ۱ تضعیف ۳ دووجهی	۱۱ تقویت ۲ دووجهی
جهانی‌زدایی	تقویت	تقویت
جنگ اوکراین	تقویت	تقویت
بی‌ثباتی منطقه‌ای	تقویت تضعیف	تقویت تضعیف
ایزاس تحریم	تقویت	تقویت تضعیف
نقش فناوری‌های نوین	تقویت	تقویت تضعیف
افزایش سرمایه‌گذاری‌های نظامی	تقویت	تقویت
افزایش منازعات درون دولتی	تقویت	تقویت
ظهور جنگ‌های ترکیبی	تقویت	تقویت
تقویت نقش بازیگران آنتوزا	تضعیف	تقویت
افزایش نقش بازیگران غیر دولتی	تقویت تضعیف	تقویت
چهره‌های جدید قدرت	تقویت	تقویت
ظهور قدرت‌های جدید	تقویت تضعیف	تقویت
افول رژیم‌های بین‌المللی و ظهور رژیم‌های جدید	تقویت	*
رقابت قدرت‌های بزرگ	*	تقویت
رقابت قدرت‌های بزرگ	رقابت قدرت‌های بزرگ	افول رژیم‌های بین‌المللی و ظهور رژیم‌های جدید
ظهور قدرت‌های جدید	ظهور قدرت‌های جدید	ظهور قدرت‌های جدید

^۱ در این ماتریس تأثیر روندها و رویدادهای افقی بر روندها و رویدادهای عمودی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. منظور از تقویت، این است که روند مزبور در ستون عمودی در اثر مداخله روند ستون افقی تا سال ۲۰۳۰ میلادی تشدید شده و منظور از تضعیف نیز این است که این روند تا ۲۰۳۰ تضعیف خواهد شد. منظور از دو وجهی نیز این است که ممکن است از برخی جهات روند مزبور تقویت شده و ممکن است تحت شرایط خاصی نیز تضعیف شود. به عنوان مثال، افزایش بازیگران غیردولتی ممکن است رقابت قدرت‌های بزرگ را تشدید کند و این قدرت‌ها از این بازیگران به‌عنوان مولکین خود در منازعات استفاده کنند. از سوی دیگر ممکن است با رشد بازیگران غیردولتی و نقش مخرب آن‌ها در ایجاد بی‌ثباتی سیستمی، قدرت‌های بزرگ در کنترل این بازیگران منفعت مشترکی نیز داشته باشند.

۱۱ تقویت	۲ تضعیف	تقویت	*	تقویت	تضعیف	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	تضعیف	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	جنگ اوکراین
۱۱ تقویت	۲ دوجبهی	*	تقویت	تقویت	تقویت	تضعیف	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	تضعیف	تقویت	تقویت	تقویت	تقویت	جهانی زدایی

بر اساس ماتریس (تأثیر متقابل روندها و رویدادها) پیش‌ران‌های بسیار قوی، قوی و متوسط به ترتیب عبارتند؛

پیش‌ران‌های بسیار قوی

- نقش‌آفرینی چهره‌های جدید قدرت؛
- ظهور جنگ‌های ترکیبی؛
- افزایش نقش فن‌آوری‌های نوین؛
- افزایش بی‌ثباتی منطقه‌ای؛
- تقویت نقش بازیگران آشوب‌زا؛
- افزایش سرمایه‌گذاری‌های نظامی؛

پیش‌ران‌های قوی

- افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ؛
- افول رژیم‌های بین‌المللی کهن و امکان ظهور رژیم‌های جدید؛
- جنگ اوکراین؛
- افزایش منازعات درون‌دولتی؛

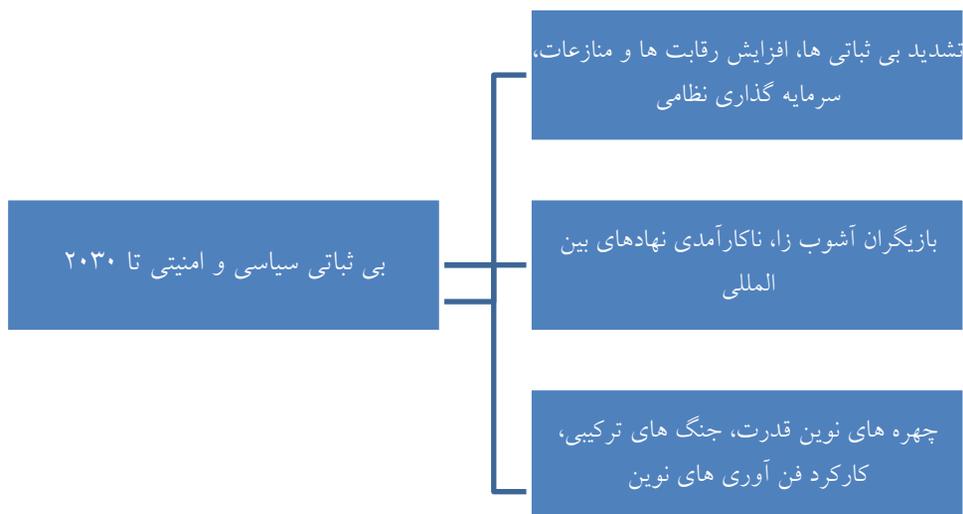
پیش‌ران‌های متوسط

- افزایش نقش بازیگران غیردولتی؛
- ظهور قدرت‌های جدید دولتی و غیردولتی؛
- ابزار تحریم، اهرم سیاسی و امنیتی؛

۷. آینده های متحمل سیاسی - امنیتی

• بی ثباتی امنیتی و سیاسی تا سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد داشت.

پیشران های بسیار قوی و قوی احصا شده در ماتریس «تأثیر متقابل روندها و رویدادها» شامل تشدید بی ثباتی های منطقه ای، نقش آفرینی چهره های جدید قدرت، ظهور جنگ های ترکیبی، نقش فن آوری های نوین، تقویت نقش بازیگران آشوب زا، افزایش سرمایه گذاری های نظامی، رقابت قدرت های بزرگ، ناکارآمدی رژیم های بین المللی نظم کهن، جنگ اوکراین، افزایش منازعات درون دولتی و جهانی زدایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم موجب می شوند، تا یکی از آینده های متحمل تا سال ۲۰۳۰ افزایش بی ثباتی امنیتی و سیاسی در جهان باشد.

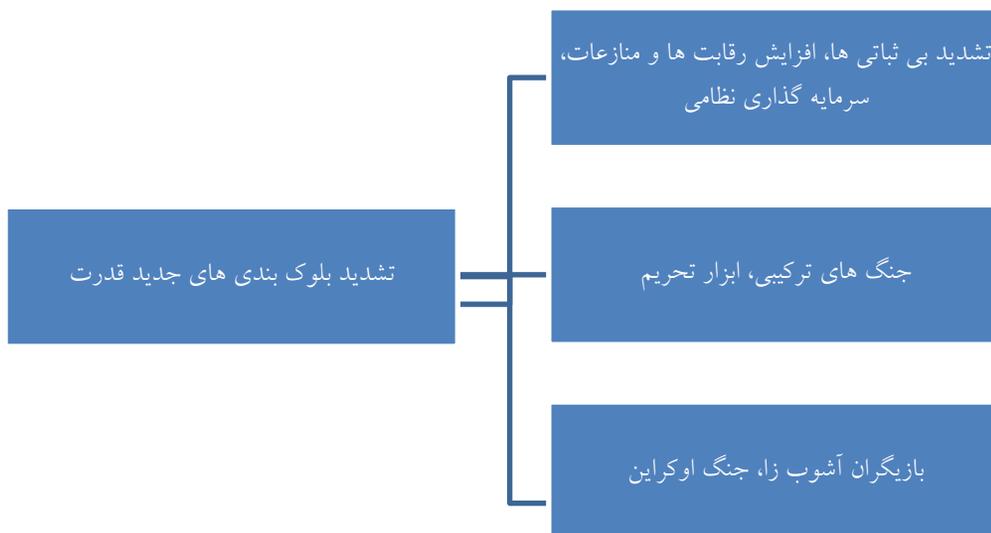


• مرزبندی بلوک های قدرت در سطح نظام بین الملل و در سطح مناطق تا سال ۲۰۳۰ تشدید خواهد شد.

پیشران های رقابت قدرت های بزرگ، افزایش سرمایه گذاری های نظامی، ظهور جنگ های ترکیبی، تقویت نقش بازیگران آشوب زا، استفاده از ابزار تحریم به عنوان اهرم سیاسی، اقتصادی و امنیتی و جنگ اوکراین به صورت مستقیم و غیرمستقیم جهان در سال ۲۰۳۰ را به سوی پایان نظم تک قطبی، تضعیف چندجانبه گرایی و هم چنین تقویت بلوک بندی های جدید قدرت

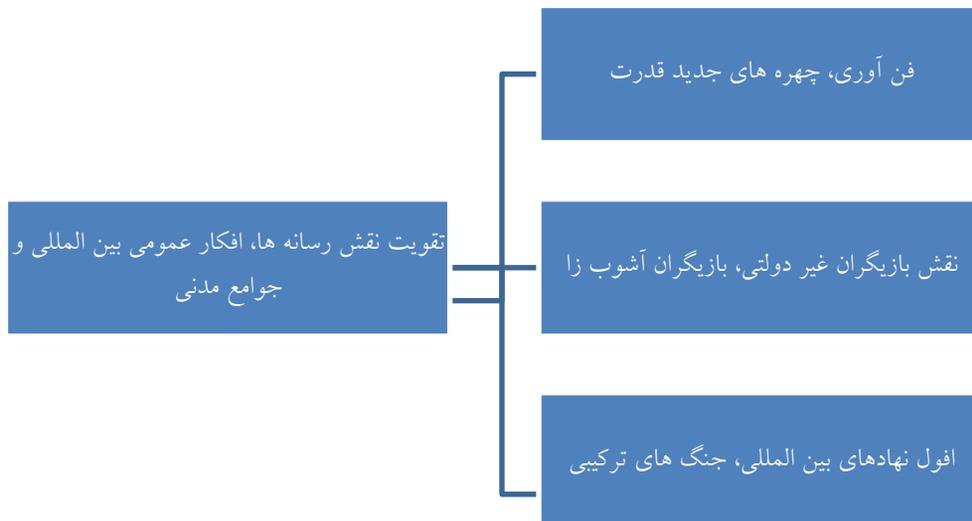
در سطح نظام بین‌الملل و سطح مناطق راهبردی مثل شرق آسیا، شرق اروپا و غرب آسیا خواهد برد. رقابت قدرت‌های بزرگ در سطح این مناطق هم بی‌ثباتی سیاسی و هم بلوک‌بندی‌های قدرت را تشدید خواهد کرد. اما مختصات بلوک‌بندی جدید چیست؟

- ✓ رقابتی - ستیزشی شدن الگوهای تعامل آمریکا-روسیه-چین؛
- ✓ بازگشت ژئوپلیتیک در مناسبات قدرت جهانی؛
- ✓ ارزش و اهمیت راهبردی مناطق در نظام بین‌الملل، هند-پاسیفیک، اروآسیا، غرب آسیا، آسیای مرکزی؛
- ✓ رقابت قدرت‌های بزرگ در غرب آسیا؛
- ✓ ارزش و اهمیت راهبردی قدرت‌های منطقه‌ای و آزادی عمل بیشتر آنها؛
- ✓ ارزش و اهمیت راهبردی متحدین برای قدرت‌های بزرگ؛
- ✓ بی‌طرفی و فاصله گرفتن متحدین عرب آمریکا از این کشور و نزدیکی آنها به چین و روسیه؛
- ✓ تقویت زنجیره ارزش جهانی شرق محور؛
- ✓ اهمیت یافتن ژئوپلیتیک هوش مصنوعی؛
- ✓ اهمیت یافتن پیمان شانگهای به جای/موازات ناتو؛
- ✓ اهمیت یافتن جنگ شناختی؛
- ✓ پایان راهبرد فنلاندیزاسیون در اروپا؛
- ✓ امنیت تقسیم‌ناپذیر: هیچ کشوری نمی‌تواند امنیتش را به قیمت ناامنی دیگران تأمین و تقویت کند؛
- ✓ ابتکار امنیت جهانی شی جین‌پینگ؛ اصول: امنیت پایدار، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، احترام به انتخاب ملت‌ها در نوع نظام سیاسی، نفی یک‌جانبه‌گرایی، بلوک‌بندی نظامی علیه دیگران.



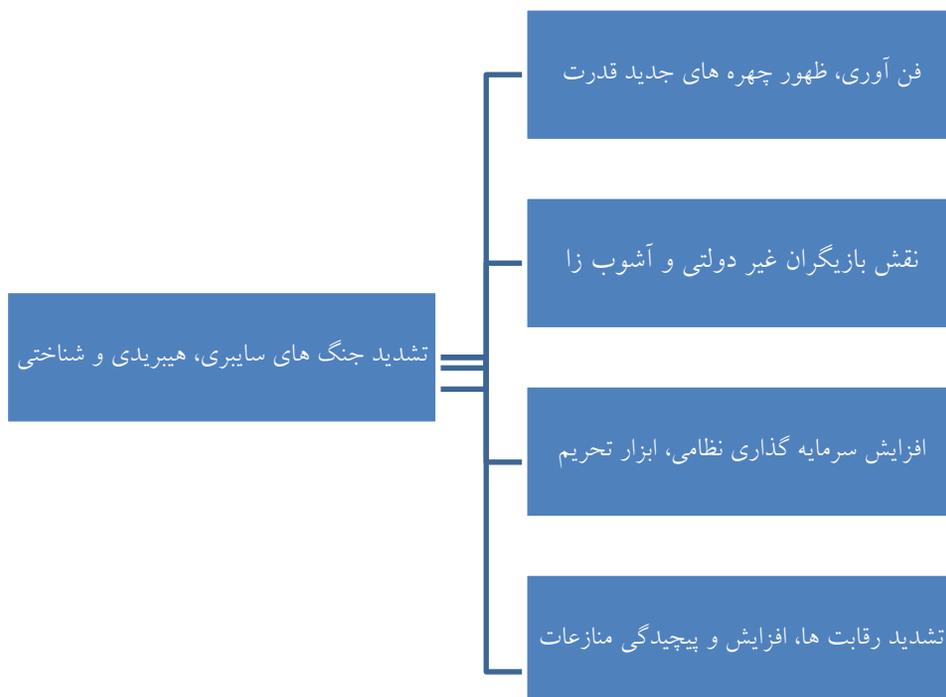
• تا سال ۲۰۳۰ شاهد تقویت نقش جوامع مدنی، افکار عمومی بین‌المللی و رسانه‌ها به عنوان اهرم‌های بازدارنده نظامی‌گری خواهیم بود.

تا سال ۲۰۳۰ پیش‌بینی‌های نقش فن‌آوری‌های نوین، چهره‌های جدید قدرت، ناکارآمدی رژیم‌های بین‌المللی، افزایش نقش بازیگران غیردولتی و حتی جنگ‌های ترکیبی و بازیگران آشوب‌ساز به شکلی مستقیم و غیرمستقیم موجب خواهند شد، نقش جوامع عمومی، افکار عمومی بین‌المللی و رسانه‌ها به عنوان اهرم‌های بازدارنده نظامی‌گری در جهان تقویت و برجسته‌تر شود. حضور گسترده رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و تبدیل هر فرد به یک رسانه که به راحتی و در کمترین زمان ممکن تصاویر حوادث را می‌تواند از طریق شبکه وب به سرتاسر جهان مخابره کند، باعث خواهد شد دولت‌ها و بازیگران برای در امان ماندن از اتهاماتی مثل نسل‌کشی یا جنایت جنگی در استفاده از ابزارهای نظامی با ملاحظات و محافظه‌کاری بیشتری عمل کنند. در این میان، تاکتیک استفاده از بازیگران از ابزار رسانه برای عملیات پرچم دروغین و متهم کردن سایر بازیگران نیز تا سال ۲۰۳۰ میلادی به دلیل گسترش استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بیشتر خواهد شد.



• تا سال ۲۰۳۰ شاهد افزایش نقش آفرینی جنگ‌های ترکیبی (جنگ‌های سایبری، شناختی) خواهیم بود.

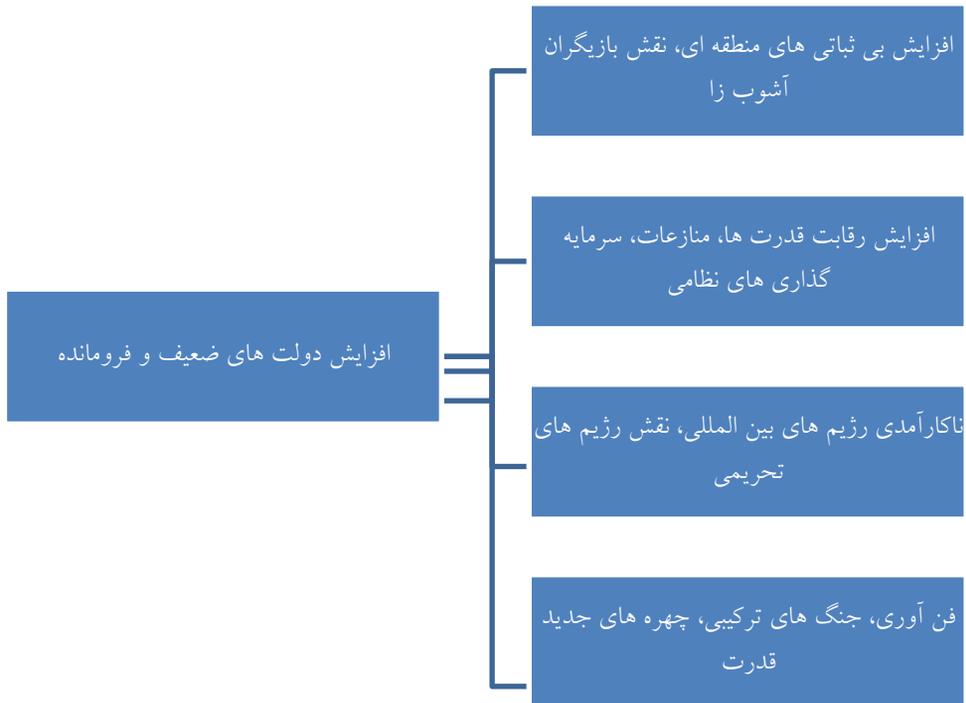
افزایش نقش آفرینی جنگ‌های ترکیبی طی سال‌های آینده مستظهر به پیش‌ران‌های بسیار قوی نقش فن‌آوری‌های نوین مثل هوش مصنوعی، نقش‌آفرینی چهره‌های جدید قدرت، تقویت نقش بازیگران آشوب‌زا، افزایش سرمایه‌گذاری‌های نظامی، تشدید بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای، ناکارآمدی رژیم‌های بین‌المللی، نقش بازیگران غیردولتی و افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ می‌باشد. گسترش فضای وب و وابستگی همه شئون بازیگران از کوچک‌ترین امور اداری تا مهم‌ترین مسائل نظامی و امنیتی به این فضا و قابلیت‌هایی که فن‌آوری در اختیار بازیگران قرار می‌دهد، به‌گونه‌ای که با کم‌ترین هزینه و با بیش‌ترین صدمات و بدون شناسایی عملیات‌های مورد نظر را انجام دهند، موجب شده است تا بازیگران اعم از دولتی و غیردولتی نسبت به استفاده از جنگ‌های ترکیبی علاقه وافری نشان دهند و می‌توان ادعای محکمی کرد که منازعات جهان آینده عموماً متعلق به جنگ‌های ترکیبی خواهد بود.



• تا سال ۲۰۳۰ شاهد افزایش دولت های ورشکسته و ضعیف در مناطق مختلف جهان خواهیم بود.

دولت های ورشکسته و ضعیف همواره یکی از معضلات اصلی نظام بین الملل طی چند دهه گذشته و در مناطق مختلف جهان و به ویژه خاورمیانه بوده اند. پیشران های افزایش منازعات درون دولتی، تشدید بی ثباتی ها در مناطق مختلف جهان، تقویت نقش بازیگران آشوب زاء، افزایش رقابت قدرت های بزرگ، تشدید منازعات، ضعف دولت های تحت رژیم تحریم های بین المللی و حتی نقش فن آوری های نوین و جنگ های ترکیبی به صورت مستقیم و غیر مستقیم باعث می شوند تا یکی از آینده های محتمل پیش روی جهان در سال ۲۰۳۰ افزایش دولت های ضعیف و ورشکسته در مناطقی مثل خاورمیانه و شمال آفریقا باشد. علاوه بر این پیشران ها، باید بحران های اقتصادی و زیست محیطی را نیز بیفزاییم که روند افزایشی بازیگران ورشکسته و ضعیف را تشدید خواهند کرد؛ بازیگرانی که قادر نخواهند بود؛ اولاً حاکمیت و اقتدار خود را بر کل سرزمین تحت کنترل شان بسط دهند و ثانیاً قادر نخواهند بود وظایف حاکمیتی خود را در

قبال شهروندانشان به درستی ایفا کنند. عدم کنترل سرزمین به حضور گروه‌های تروریستی و آشوب‌زا در این مناطق و همچنین عدم انجام وظایف حاکمیتی به تشدید بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در این مناطق منجر خواهد شد.



۸. تحلیل نظری و سناریو نویسی سیاسی و امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران

مطابق روندهایی که تشریح شد و آینده‌های محتمل مانند بی‌ثباتی سیاسی در جهان، تشدید بلوک‌بندی‌های قدرت در سطح نظام بین‌الملل و در سطح مناطق و تشدید جنگ‌های ترکیبی که احصاء گردید، عناصر آنارشیک در نظم متزلزل جهانی، تقویت خواهد شد:

- تسریع و تسهیل شکل‌گیری روابط بین‌الملل پسا غربی/غیر غربی؛
- تسریع و تسهیل انتقال قدرت از غرب به شرق؛
- تأثیرهای کارگزاری: ظهور بازیگران جدید بین‌المللی؛

- تأثیرهای ساختاری: نقش کاتالیزور و شتاب دهنده جنگ در شکل‌گیری نظم جدید چندقطبی، چند بلوکی، چند مرکزی؛
 - تغییر رابطه چین و روسیه از شریک به متحد؛
 - تأثیرهای هنجاری: تضعیف اصل عدم توسل به زور، تمامیت ارضی، تغییرناپذیری مرزها؛
 - تأثیرهای فرآیندی: تغییر الگوهای تعامل بین قدرت‌های بزرگ از همکاری-رقابت-ستیزش به رقابت-ستیزش-همکاری؛
 - تغییر نظام‌های جهانی انرژی، تولید، توزیع، و مالی؛
 - تنوع‌بخشی منابع انرژی و کاهش وابستگی اروپا به انرژی روسیه، دسترسی آسان‌تر و ارزان‌تر چین و هند به انرژی روسیه؛
 - دوری کشورهای جنوب از آمریکا و نزدیکی بیشتر به چین و روسیه؛
 - کمک به ارتقاء و افزایش ارزش ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی اورآسیا در نظام بین‌الملل: هارتلند؛
 - کمک به ارتقاء و افزایش ارزش و اهمیت ابتکار کمربند و جاده؛
 - افزایش اهمیت کشورهای جنوب خلیج فارس در اقتصاد بین‌الملل و زنجیره ارزش جهانی.
- بر این اساس سناریوهای مطلوب، مرجح، قابل تحمل و نامطلوب برای جمهوری اسلامی به شرح زیر ترسیم می‌شود:

• **تشدید بلوک‌بندی‌های قدرت در سطح نظام بین‌الملل و در سطح مناطق (سناریوی مطلوب)**

اجماع قدرت‌های بزرگ علیه ایران که در مقاطعی به وجود آمد، به شدت امنیت ملی ایران را در معرض مخاطره قرار داده است. شاهد مثل اجماع قدرت‌های بزرگ در بر ضد ایران بر سر مسئله پرونده هسته‌ای و تصویب ۶ قطعنامه فصل هفتمی در شورای امنیت بر ضد جمهوری اسلامی ایران بود. تشدید بلوک‌بندی قدرت در سطح نظام بین‌الملل با محوریت چین و آمریکا، اولین فایده‌ای که برای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت، این است که قابلیت اجماع‌سازی بین قدرت‌های بزرگ بر سر موضوعات مربوط به ایران را به‌ویژه در شورای امنیت تضعیف می‌کند. نخستین نشانه‌های شکل‌گیری اختلاف شدید بین بلوک‌های قدرت بر سر موضوعات مهم بین‌المللی نیز به تدریج در حال ظهور است. به‌عنوان مثال، در حالی که آمریکا، روسیه و چین طی سال‌های گذشته معمولاً موضع واحدی در مقابل برنامه‌های موشکی کره‌شمالی داشتند اما روسیه و چین با قطعنامه آمریکا برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه کره شمالی مخالفت کردند.

دومین فایده تشدید بلوک‌بندی میان قدرت‌های بزرگ برای ایران، این است که از شکاف‌های موجود بین قدرت‌های بزرگ در راستای منافع ملی خود استفاده کند. این که تشدید بلوک‌بندی، اجماع بین قدرت‌های بزرگ را تنها تضعیف می‌کند و از بین نمی‌برد، به این معنی است که قدرت‌های بزرگ ممکن است در برخی مسائل به دلیل وجود منافع مشترک به اجماع برسند و همکاری کنند و این منافاتی با تشدید بلوک‌بندی‌های قدرت و تشدید منازعه به جای همکاری نخواهد داشت.

سومین فایده تشدید بلوک‌بندی‌های قدرت برای جمهوری اسلامی ایران، این است که ساختار نظام بین‌الملل از حالت تک قطبی با محوریت آمریکا خارج می‌شود. در ساختار تک قطبی، آمریکا با استفاده از نهادها و رژیم‌های تحت رهبری خود شدیدترین فشارها را طی سال‌های گذشته بر علیه جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرده است. تحریم‌های شدید و همراهی گسترده بازیگران نظام بین‌الملل با این تحریم‌ها از ترس تنبیه هژمون در همین راستا قابل ارزیابی است. تشدید بلوک‌بندی‌ها منجر به این خواهد شد که نهادها و رژیم‌های لیبرال کنونی که نقش بسیار مؤثری در اعمال فشارهای هژمون بر ضد جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند، تضعیف و نهادها و رژیم‌های جدیدی به صورت صریح یا ضمنی شکل بگیرند و جمهوری اسلامی ایران نیز با همراهی با این رژیم‌ها نهایت استفاده را در جهت منافع ملی خود ببرد.

• **تا ۲۰۳۰ شاهد افزایش نقش آفرینی جنگ‌های ترکیبی (جنگ‌های سایبری، شناختی) خواهیم بود. (سناریوی مرجح)**

در جهانی که به سمت بی‌ثباتی بیشتر حرکت می‌کند، توصیه واقع‌گراها در راستای افزایش قابلیت‌های نظامی برای ایجاد بازدارندگی است. از سوی دیگر، بر اساس پیش‌بینی‌های «بسیار قوی» احصاء شده از محیط سیاسی-امنیتی جهان تا سال ۲۰۳۰ میلادی و آینده‌های محتمل، می‌توان این گزاره را طرح کرد که آینده عرصه نقش آفرینی جنگ‌های ترکیبی (سایبری، شناختی) و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مربوط به این جنگ‌ها از ضرورت‌های بسیار مهم برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. اصلی‌ترین دشمنان جمهوری اسلامی ایران شامل آمریکا و رژیم صهیونیستی در حوزه تسلیحات متعارف و نامتعارف شامل موشک، هواپیما و ناو، به‌لحاظ حجم سرمایه‌گذاری‌ها از کشور ما پیش هستند اما جنگ‌های ترکیبی این قابلیت و این امکان را به جمهوری اسلامی ایران می‌دهد که عقب ماندگی خود را در حوزه‌های جنگ‌های سنتی

جبران و با تغییر عرصه درگیری به جنگ‌های ترکیبی، هزینه‌های سنگینی را به دشمن تحمیل کند. مزیت این جنگ‌ها، قابلیت ناشناخته ماندن است و جمهوری اسلامی ایران از طریق بازوهای نیابتی خود در منطقه (حزب الله، حماس، جهاد اسلامی، حشدالشعبی، انصارالله یمن و...) بدون این که هزینه‌ای متحمل شود، می‌تواند صدمات گسترده‌ای را به دشمن وارد کند. ترجیح این نوع جنگ نیز به‌عنوان یک آینده محتمل برای جمهوری اسلامی ایران از این منظر است. ذکر این نکته ضروری است که دشمن نیز در این حوزه‌ها به شدت در حال سرمایه‌گذاری است و باید ساختار نیروهای مسلح کشور برای حضور در این جنگ‌ها متحول شود.

• **تا سال ۲۰۳۰ شاهد تقویت نقش جوامع مدنی، افکار عمومی بین‌المللی و رسانه‌ها به**

عنوان اهرم‌های بازدارنده نظامی‌گری خواهیم بود. (سناریوی قابل تحمل)

به موازات تشدید بی‌ثباتی سیاسی، تشدید بلوک‌بندی‌های قدرت و افزایش جنگ‌های ترکیبی در سطح نظام بین‌الملل و سطح مناطق؛ نقش جوامع مدنی، افکار عمومی بین‌المللی و رسانه‌ها نیز به‌عنوان یک ترمز و اهرم مهارکننده جدی برای جلوگیری از تشدید روندهای نظامی‌گیری مطرح خواهد بود. این آینده محتمل در مقایسه با سایر آینده‌ها می‌تواند سناریوی قابل‌تحملی برای جمهوری اسلامی ایران تلقی شود، این سناریو قابل‌تحمل است؛ چرا که در شرایط فعلی افزایش این روند تهدیدهای زیادی را برای ایران به‌وجود آورده است در عین حال، این روند حامل فرصت‌هایی نیز برای جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استفاده از این مسئله، کارزارهای ضد جنگ را به‌عنوان اهرم بازدارنده‌ای به نفع خود و بر ضد آمریکا هدایت و مدیریت کند. از سوی دیگر، کنترل غرب بر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نیز می‌تواند بر ضد جمهوری اسلامی ایران به‌کار گرفته شود.

• **تا سال ۲۰۳۰ شاهد افزایش بی‌ثباتی‌های سیاسی و امنیتی در جهان خواهیم بود)**

(سناریوی نامطلوب)

بر اساس نظریه واقع‌گرایی، بی‌ثباتی در نظام بین‌الملل به بی‌ثباتی در مناطق مختلف جهان نیز تسری پیدا کرده و در این محیط، بازیگران رفتارهایی را آگاهانه و ناخودآگاه انجام می‌دهند که ممکن است قابل پیش‌بینی نباشد. در این وضعیت امکان محاسبه اشتباه و همچنین برداشت‌های اشتباه نیز از سوی بازیگران در مورد رفتارهای رقیب افزایش پیدا می‌کند. تشدید بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در سطح نظام بین‌الملل و در سطح مناطق مختلف جهان و بویژه در

منطقه خاورمیانه می‌تواند تبعات جدی امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران از حیث مسائلی مثل ناامنی، فعالیت گروه‌های تروریستی سلفی- تکفیری، افزایش دولت‌های ورشکسته یا پدیده مهاجرت داشته باشد. برخی از همسایگان ایران مثل افغانستان، پاکستان و عراق در شرایط کنونی هم از بی‌ثباتی به شدت رنج می‌برند و سرریز این بی‌ثباتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرات غیر قابل انکاری دارد. در صورت تشدید این بی‌ثباتی‌ها نیز شرایط برای جمهوری اسلامی ایران مطلوب نخواهد بود.

• تا سال ۲۰۳۰ شاهد افزایش دولت‌های ورشکسته و ضعیف در مناطق مختلف جهان خواهیم بود. (سناریوی نامطلوب)

ثمره افزایش بی‌ثباتی در جهان افزایش دولت‌های ورشکسته خواهد بود. افزایش دولت‌های ورشکسته در مناطق مختلف جهان و به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، سناریوی نامطلوبی برای جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. دولت‌های ورشکسته قادر به بسط حاکمیت خود بر سرزمین خود نیستند و این مسئله زمینه‌ساز رشد و تکثیر گروه‌های آشوب‌زا و به‌ویژه گروه‌های تروریستی - سلفی تکفیری را در محیط منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بیشتر فراهم می‌کند. به‌عنوان مثال، تبدیل دولت‌های پاکستان، افغانستان، عراق، سوریه، یمن به دولت‌های ورشکسته، زمینه‌ساز تکثیر بیشتر داعش، داعش خراسان، القاعده و سایر گروه‌های تروریستی تکفیری را که دچار تعارض شدید هویتی با جمهوری اسلامی ایران هستند، فراهم خواهد کرد. سرریز ناامنی در این کشورها، سرزمین ایران را با تهدیدات جدی مواجه خواهد کرد. از سوی دیگر، چون دولت‌های ورشکسته و ضعیف قادر نیستند که وظایف حکمرانی خود را از قبیل تهیه غذا، آب، کار و امنیت را برای مردم خود فراهم کنند، این مسئله زمینه‌ساز افزایش پدیده مهاجرت شده و جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از اهداف یا مسیرهای مهاجرت خواهد بود. به‌عنوان مثال ناتوانی دولت ضعیف و ورشکسته طالبان طی تقریباً یک سال گذشته، زمینه‌ساز حضور صدها هزار نفری مهاجران افغانی را در سطح کشور فراهم کرده است، که این وضعیت زمینه‌ساز بسیاری از مخاطرات جدی امنیتی و اجتماعی برای کشور بوده است.

۹. نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، ترسیم آینده‌های محتمل در زمینه‌های سیاسی، امنیتی، نظام‌بین‌الملل تا سال ۲۰۳۰ و سپس ترسیم سناریوهای مختلف برای جمهوری اسلامی ایران

به‌منظور مواجهه مؤثر با آن آینده‌ها بود. ما در این پژوهش به دنبال پیش‌بینی نبودیم، ناندیشیده‌های ممکن‌الوقوع در سال‌های پیش‌رو تا ۲۰۳۰ را نیز ندیدیم، بلکه تلاش کردیم با بهره‌مندی از تکنیک خود در آینده‌پژوهی یعنی مدل «امتداد حال»، چند آینده محتمل، مستظهر به پیش‌ران‌های عینی را از میان طیف گسترده آینده‌های ممکن به صورت سیستماتیک استخراج کنیم و به فرایند تصمیم‌گیری تصمیم‌گیران سیاست خارجی کمکی نماییم. در این پژوهش موضوعات سیاسی-امنیتی را به‌منظور ساده‌سازی در فرایند تحلیل از یکدیگر تفکیک کردیم اما همانطور که گفته شد، مطالعات آینده‌نظام‌مند و سیستماتیک است و این حوزه‌ها با یکدیگر روابط متقابل، در هم تنیده و قوام‌بخشی دارند و چنان‌چه در توضیح روندها و ترسیم آینده‌ها ملاحظه شد، درهم‌تنیدگی این حوزه‌ها کاملاً مشهود است. در هر یک از حوزه‌ها، ابتدا روندهایی که از گذشته تا به امروز تداوم داشته‌اند و استعداد تداوم در آینده را داشتند، توضیح دادیم. سپس روندها به‌منظور ساده‌سازی در یکدیگر ادغام شدند تا کلان‌روندها در هم حوزه حاصل شوند. سپس کلان‌روندها در ماتریس تأثیر متقابل قرار گرفتند تا وضعیت هر یک از آنها به لحاظ شدت و ضعف در شکل دادن به آینده مشخص گردد. محصول این ماتریس، پیش‌ران‌های تشدید شده، کمتر تشدید شده، خنثی و یا تضعیف شده بودند. آینده‌های محتمل از بطن این پیش‌ران‌ها به‌دست آمدند. تا اینجا فرایند آینده‌پژوهی با راهبرد استقرایی یعنی از جزء به کل صورت گرفت. ریز روندها و رویدادها همان جزء‌های ما بودند و کل را کلان‌روندها، پیش‌ران‌ها و آینده‌های محتمل تشکیل دادند. پس از این، مطالعات ما وارد مرحله هنجاری شد. راهبرد مرحله هنجاری، قیاسی یعنی پیش‌برد پژوهش از کل به جزء یا اجزای است. در اینجا کل، همان آینده‌های محتمل هستند و جزء‌ها، راه‌کارهایی هستند که توسط آینده‌پژوهان به منظور تحقق سناریوهای مطلوب و مرجح ارائه می‌گردند. ما در مرحله هنجاری، با بهره‌مندی از چارچوب نظری نوواقع‌گرایی و منافع جمهوری اسلامی به ترسیم سناریوها پرداختیم تا زمینه برای تجویز راهکارها فراهم گردد. راه‌کارها به تصمیم‌گیران کمک می‌کنند تا با دست‌کاری و مدیریت پیش‌ران‌ها، آینده یا آینده‌های مطلوب را بسازند. تقویت و تضعیف برخی پیش‌ران‌ها، منجر به تحقق سناریوهای مطلوب و مرجح محقق می‌شود، تقویت و تضعیف برخی دیگر مانع از تحقق سناریوهای نامطلوب و دستکاری برخی دیگر سناریوی قابل تحمل را بعید خواهند کرد.

منابع و مأخذ

فارسی:

- آقاجانی، سعادت (۱۴۰۱)، *روندهای سیاسی امنیتی تا ۲۰۳۰*، مصاحبه با سید محمد امین آبادی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰۱/۳/۲.
- اندروز، جان؛ فرانکلین، دنیل (۲۰۱۲)، *۲۰ تغییر بزرگ در سال ۲۰۵۰*، مترجمان سعید ارکان‌زاده‌یزدی... او دیگران؛ تهران: نشر کارفرین، نوبت چاپ پنجم سال ۱۳۹۵.
- دویچه وله (۲۰۲۲)، «تمایل فزاینده فنلاند و سوئد به عضویت در پیمان نظامی ناتو»، ۱۳ آوریل، برگرفته از <https://p.dw.com/p/49tkS> :
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴)، *نظریه‌ها و فرآورده‌ها در روابط بین‌الملل*، تهران: نشر مرکز.
- رئیس‌نژاد، آرش (۱۴۰۱)، *روندهای اقتصاد سیاسی بین‌الملل تا ۲۰۳۰*، مصاحبه با سید محمد امین آبادی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰۱/۳/۲.
- مفید احمدی، حسین (۱۴۰۰)، *روندهای اقتصاد سیاسی بین‌الملل تا ۲۰۳۰*، مصاحبه با سیدرضا موسوی نیا، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰۰/۱۲/۱۷.
- میریوسفی، علیرضا (۱۴۰۱)، *روندهای سیاسی - امنیتی تا ۲۰۳۰*، مصاحبه با سید محمد امین آبادی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰۱/۳/۲.
- یورونیوز (۲۰۲۲)، «رکورد هزینه‌های نظامی در سطح جهانی شکست؛ ۲۰۱ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۱»
۲۵ آوریل، برگرفته از: <https://per.euronews.com/2022/04/25/military-spending-reaches-record-levels-in-2021-2-1-trillion>
- یورونیوز (۲۰۱۹)، «اعلام وضعیت «اضطراری نازی» برای مقابله با راست‌گرایان افراطی در آلمان»، ۳ نوامبر، برگرفته از: <https://per.euronews.com/2019/11/03/nazi-emergency-to-confront-the-extremists-in-germany>
- یورونیوز (۲۰۲۲)، «افزایش نرخ خرید سلاح در اروپا»، ۱۴ مارس، برگرفته از: <https://per.euronews.com/2022/03/14/increase-rate-of-arms-import-in-european-countries-when-a-decrease-established-in-the-worl>

انگلیسی:

- Charap, Samuel(2022), "The Perilous Long Game in Ukraine", **Foreign affairs**, available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/ukraine/2022-03-30/perilous-long-game-ukraine>
- Fukuyama, Francis(2013), "Life in a G-Zero World", available at: <http://blogs.the-american-interest.com/fukuyama /2013 /01 /28/life -in-a-g-zero-world/>
- Kania, Elsa B.(2017), "Artificial Intelligence and Chinese Power", **Foreign affairs**, available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/china/2017-12-05/artificial-intelligence-and-chinese-power>

- Schuman, Michael(2022), “The World Is Splitting in Two”, **the atlantic**, available at: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2022/03/ukraine-war-china-covid-lockdowns/629401/>
- Scharre, Paul(2019), “Killer Apps The Real Dangers of an AI Arms Race”, **Foreign affairs**, available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/2019-04-16/killer-apps>
- Walt, Stephen.M (2022), “The Ukraine War Doesn’t Change Everything”, **Foreign policy**, available at: https://foreignpolicy.com/2022/04/13/ukraine-war-realism-great-powers-unipolarity/?tpcc=recirc_latest062921
- Hybrid Warfare – New Threats, Complexity, and ‘Trust’ as the Antidote»** (2021), Nato Review, available at: <https://www.nato.int/docu/review/articles/2021/11/30/hybrid-warfare-new-threats-complexity-and-trust-as-the-antidote/index.html>
- «**Countering cognitive warfare: awareness and resilience**» (2021), Nato Review, available at: <https://www.nato.int/docu/review/articles/2021/05/20/countering-cognitive-warfare-awareness-and-resilience/index.html>
- «**The Future of Warfare in 2030**» (2020), Rand, Library of Congress Cataloging-in-Publication Data is available for this publication. ISBN: 978-1-9774-0295-0.
- «*Exploring the Civil-Military Divide over Artificial Intelligence*» (2022), Rand, available at: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RRA1498-1.html
- «**Future State 2030: The global megatrends shaping governments**» (2014), Mowat Centre ,available at:https://assets.publishing.service.gov.uk/uploads/system/uploads/attachment_data/file/771309/Global_Strategic_Trends_-_The_Future_Starts_Today.pdf
- «**Global Strategic Trends: The Future Starts Today**»,(2018), Ministry of Defence (United Kingdom) , available at: https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/771309/Global_Strategic_Trends_-_The_Future_Starts_Today.pdf
- «**Global Trends 2030: Alternative Worlds** » (2012) , Atlanticcouncil, available at: : Global trends 2030: alternative worlds - Atlantic Council
- «**What is deglobalization?**» (2021), chathamhouse, available at: <https://www.chathamhouse.org/2021/10/what-deglobalization>
- «**China's foreign exchange reserves reach \$3.25 trillion, hitting 6-year high**»(2022), Global times , available at: <https://www.globaltimes.cn/page/202201/1245389.shtml>
- «**Russia is now the most sanctioned nation in the world. How is it coping?**»(2022), NPR , available at: <https://www.npr.org/2022/03/11/1085979655/russia-is-now-the-most-sanctioned-nation-in-the-world-how-is-it-coping>
- «**The Global Risks Report**»(2022), World Economic Forum, available at: https://www3.weforum.org/docs/WEF_The_Global_Risks_Report_2022.pdf.